



مصاحبه با سعید آرمان دبیر سازمان سراسری پناهندگان ایرانی

بی مرز: ممکن است خودتان را معرفی کنید، از سوابق فعالیت و...؟

سعید آرمان: من سعید آرمان هستم و با شروع اعتراضات علیه رژیم سلطنتی وارد فعالیت سیاسی شده و فعالانه در براندازی رژیم مستبد و استعمارگر سلطنتی بمنظور برقراری نظام سیاسی آزاد و برابر و جامعه ای فارغ از استثمار مبارزه کردم. با روی کار آمدن رژیم اسلامی حتی برای یک ثانیه هم بخود تردید راه نداده ام که این آن رژیمی نبود که ما خراشان آن بودیم خلاصه کنم مبارزه علیه این رژیم هار و وحشی بخش لاینفک حیات ۲۵ سال اخیر من بوده است. من ضمن فعالیتهای حزبی که رسماً از سال ۵۹ با کومه له آغاز به فعالیت متشکل کردم و بعدها حزب کمونیست ایران و در سال ۱۹۹۱ حزب کمونیست کارگری ایران و اکنون عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست میباشم. به دلیل حساسیت و علاقه ای که به عرصه های فعالیت اجتماعی نیز داشتم فعالیت با فدراسیون سراسری را از سال ۹۲ شروع کردم که در سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ علی‌رغم مسئولیتهای حزبی دیگر که داشتم ام این عرصه را تا حد توانم به پیش برده ام و اکنون تا برگزاری اولین کنفرانس سازمان سراسری مسئولیت این سازمان را عهده دار خواهم بود

چرخه وسیع و پر مشغله میباشد. بی مرز: ضرورت تشکیل سازمان سراسری پناهندگان ایرانی از کجا نشأت گرفت و این سازمان را ادامه چه سنتی میدانید؟
سعید آرمان: از ابتدای تشکیل فدراسیون که در واقع ایده راهگشا و پروژه بشدت انسانی و سیاسی که منصور حکمت عزیز مبتکر آن بود، این عرصه از کار ما کمونیستهای کارگری بمنظور دخالت در امر سرنوشت دهها هزار انسان آزادیخواه و مبارزی که جانشان در اثر فعالیت سیاسی و اجتماعی و یا هر دلیل دیگری که خطر میافتد و یا به هر دلیلی نمی خواهند و نمیتوانند زیر سلطه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی زندگی بکنند و خود را به مکانی امن میرسانند، برای برسمیت شناختن حق پناهندگی شان به یک پشتوانه جدی نیازمند بودند و فدراسیون میتوانست این تشکل باشد و در این دوران ثابت کرد که علی‌رغم تند پیچهایی که از آن عبور کرده و هر کنفرانسی که برگزار میشد به یمن دخالتگری معنوی رهبری (حزب کمونیست کارگری ایران) و در راس آن منصور حکمت با دادن افق و دورنمای روشن از این عرصه اجتماعی و سیاسی کار ما را گامها به جلو برده است و همچنین تاثیر گذاری بر افکار ایرانیان مقیم خارج و تقویت چپ و رادیکالیسم و مبارزه علیه افکار ارتجاعی و ناسیونالیستی و مردسالارانه در میان ایرانیان یکی دیگر از دلایل فلسفه وجودی ← ۲



ISNA

ISNA/PHOTO:AMIR KHOLOOSI

۱۶ آذر تهران درد بر دانشجویان



FARS NEWS AGENCY

Photo: Hossein Salmaszadeh

بی مرز را تکثیر و پخش کنید

به سازمان سراسری پناهندگان ایرانی پیوندید

سعید یگانه

۱۶ آذر روز ما بود!

۱۶ آذر روز ما بود. روز دانشجویان، کارگران، معلمان، زنان و مردم محروم جامعه برای رهایی از بردگی و خلاصی از فلاکت و اختناق بود. روز آزادی و برابری و نان و آزادی برای همه بود. ۱۶ آذر مرزهای ملی را در هم شکست و سنندج و کامیاران و سردشت را به تهران وصل کرد. رنگ ملیت و مذهب را بر خود نداشت، چپ دست بالا را داشت. صدای انسانیت برای آزادی همه بود. ۱۶ آذر اعلام کرد که رفراوندوم پوچ است و راه حل بحران جامعه ایران نیست، بلکه تداوم و امکان بقای بیشتر جمهوری اسلامی را فراهم می کند، ترمزی بر سر راه مبارزه مردم برای آزادی است و مردم را پشت دیوارهای جمهوری اسلامی منتظر نگه میدارد. اعلام کرد که هدف مدافعین رفراوندوم دست به دست کردن حکومت از بالای سر مردم است. ۱۶ آذر علیه هر نوع آلترناتیو سناریو سیاهی از جمله فدرالیسم برای تقسیم بندی ایران بود. ۱۶ آذر مهمتر از همه پرونده خاتمی را بست و برای همیشه به تاریخ سپرد. ۱۶ آذر اعلام کرد که جامعه ایران فقط با سرنوشتی جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری از فلاکت و اختناق رهایی خواهد یافت. ۱۶ آذر جان تازه ای به جنبش سرنوشتی طلبانه مردم داد و افق دیگری را در مقابل جامعه قرار داد و نقطه عطفی دیگری در تحولات سیاسی ایران بایستی به حساب آورد. آینده ایران را اگر ۱۶ آذرها شکل بدهند، مردم انتخاب درستی خواهند کرد و آینده روشنی را در مقابل همه ما قرار خواهد داد. آینده ای که آزادی و برابری را برای همه انسانها به ارمان خواهد آورد.

درد بر دانشجویان
درد بر همه کسانی که این روز را ساختند



ناهید ریاضی

فراخوان سازمان عفو بین الملل برای نجات جان لیلا م. و اعتراض به حکم اعدام او!

بدنبال تماسهای ناهید ریاضی با سازمان عفو بین الملل در دانمارک و در جریان قرار دادن این سازمان از وضعیت لیلا م. دختری که هم اکنون به جرم «زنا» حکم اعدام دریافت کرده است، خانم بیگیت لیندال از مسئولین عفو بین الملل در دانمارک در پاسخ به درخواست ناهید ریاضی مبنی بر پیگیری مسئله شلاق زدن و صدور حکم اعدام لیلا در ایران، به اطلاع او رساند که عفو بین الملل بعد از تحقیقات در این زمینه، اعلام

بقیه از صفحه ۸

و تشکیل فدراسیون بود. اکنون بعد از قریب به ۱۶ سال که از عمر این نهاد میگذرد جمع وسیعی از فعالین حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست از لیبر حزب تا جمع وسیعی از کادرها و فعالین این حزب در حیات سیاسی این فدراسیون و تضمین ادامه کاری آن نقش داشته ایم. این سازمان بر دوش یکایک ما و جمع باقیمانده در این نهاد ساخته شد. اما دوستان باقیمانده در این سازمان با نادیده گرفتن این واقعیت حاشا ناپذیر که ما میخواستیم و میتوانستیم در این نهاد که نه نهادهای که جای جنگ فرقه ها و ایدئولوژیها بلکه فعالیت گسترده در راه رفع مشکلاتی که دولتهای پناهنده پذیر برای پناهجویان بوجود میاورند، بود و میبایست به این مهم پاسخ بدهد. اما علیرغم تلاش ما این دوستان اختلافات درونی حزب کمونیست کارگری ایران را نیز به راس این سازمان کشانیدند و آنرا به میدان تصفیه و برکناری فعالین و چهره های شناخته شده این عرصه در درون فدراسیون تبدیل کردند و شروع کردند به برداشتن اسامی فعالین فدراسیون که اعلام کرده بودند که به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوسته اند و به این شیوه یکی از اصول پایه ای این سازمان را که آنرا برخورداری

فراخوانی برای نجات جان لیلا داده است. لیلا که دو بار در سن ۹ و ۱۴ سالگی و در حالیکه حامله بود، هر بار ۱۰۰ ضربه شلاق خورده بود، اکنون منتظر اجرای حکم اعدام خود است.

ما برای نجات جان لیلا از همه مردم آزادخواه دعوت می کنیم که به همراه ما و به همراه عفو بین الملل به کمپین نجات جان لیلا بپیوندند. همانطور که قبلا هم اعلام کرده ایم، ما برای به محاکمه کشاندن عاملین صدور حکم شلاق و اجرای آن برای لیلا، ژیل و افشین، که در سن کودکی ضربه های شلاق بدن نجیشان را زخمی نمود و حتی منجر به مرگ افشین ۱۴ ساله شد، همه تلاش خود را خواهیم کرد. عاملین صدور حکم شلاق برای این سه کودک باید در یک دادگاه بین المللی بر اساس قوانین بین المللی مربوط به حقوق کودک محاکمه شوند تا هرگز جرات شلاق زدن و

زده و بازداشت و زندانی کردن و دیپورت و بقتل رساندن قربانیانی که مرزها را با تحمل هزار و یک ریسک در نور دیده اند و بالاخره جان سالم بدر برده اند خودشان را به "کشورهای امن" پناهنده پذیر رسانده اند، به نرم کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی و استرالیا تبدیل شده است. برای اثبات این ادعا میتوانیم به سوند با بالغ بر ۶۰۰۰ پناهجوی مخفی که سالیان سال عمرشان تباه میشود و از امکانات زندگی محروم هستند، به استرالیا نگاه کنید و در حین پاسخ به سوالات شما دهها نفر دست به اعتصاب و اعتراض زده اند و چند نفر دهانشان را به اعتراض به بی حقوقی مطلق دوخته اند و انگلستان و بازداشتگاهها و دیپورتیهایش و غیره و غیره همه دلالت از یک اوضاع نابسامان است که بیان همه این موارد در یک مصاحبه نمیگنجد.

ما، جمع منسحب نمیتوانستیم ناظر خاموش این چرخش ها از یکسو و این بیحقوقی مطلق به پناهجو، باشیم. این سازمان را بنا کردیم که به نیازی که اساسا فدراسیون برایش تأسیس شد پاسخگو باشد و به تعهدات کنفرانسهایش قبل از کنفرانس دهم که این چرخش از طرف رفقای حزب سابق به ما و به فدراسیون تحمیل شد، پاسخ شایسته ای به آن بدهیم.

زندانی و شکنجه و اعدام کودکان را پیدا نکنند. پروژه اعلام جرم و به محاکمه سپردن مسئولین خشونت علیه لیلا، ژیل و افشین

۱۱ دسامبر ۲۰۰۴

مسئول پروژه: ناهید ریاضی

۰۰۴۵۴۰۵۴۳۹۹۲ آدرس

میل:

nahid@mail.danbbs.dk

دیانا نامی: دستیار و مسئول

روابط عمومی پروژه

۰۰۴۴۷۸۱۶۱۰۷۴۴۷

سلیمان قاسمیان: سخنگوی

پروژه از دفتر مرکزی نهاد

بین المللی اول کودکان

۰۰۴۶۷۰۴۴۴۱۵۷۸

برای دریافت اطلاعات بیشتر

درباره این پروژه به سایت:

www.zhilaa.com

مراجعه نمایید.

به حاکمان وحشی ایران باید گفت که احکام اعدام را سریعاً متوقف کنند! لیلا باید آزاد گردد!

یک قاضی وحشی، در بیدادگاهی در اراک حکم اعدام لیلا دختر ۱۹ ساله را داده است. لیلا یکبار در ۹ سالگی و بار دیگر در ۱۴ سالگی بخاطر بردگی سکس که از دوران کودکی به وی تحمیل شده است، به خاطر "فساد اخلاقی و اقدام به ترویج فحشا" به تحمل شلاق و هر بار یکصد ضربه تازیانه خورده است. ماه گذشته به بهانه اینچنینی عاطفه دختر ۱۶ ساله را یکی دیگر از قاضی های وحشی جمهوری اسلامی حق حیات را از او گرفت.

سوال اینست تاکی بشریت شاهد سلاخی مردم توسط این جانبیان آدمکش باشند. دول اروپایی تا کی سیاست مماشات را با وحشی ترین و جنایتکارترین رژیم تاریخ معاصر ادامه میدهند و دست از روابط سیاسی و دیپلماتیک با آن بر نمیدارند.

هیچ چیز عزیزتر از جان انسان نیست، احکام اعدام، این شنیع ترین عمل علیه انسان را باید با دخالت وسیع مردم و بمیدان آوردن عزم راسخ میلیونها انسان شریف و آزاده و بتنگ آمده از دست وحوش اسلامی، متوقف کرد. باید به دولتهای اروپایی و مجامع بین المللی فشار آورد که دیگر شاهد و ناظر وحشیانه



ترین احکام علیه انسان از کودک تا بزرگسال، از بالغ تا نابالغ و از "بلوغ عقلی" تا غیره، محکوم است و هیچکس و هیچ مرجعی مجاز نیست و نباید حق حیات را از کسی بگیرد.

آنکس که باید مجازات بشود نه قربانیان فقر و فحشا و نظام وارونه و استثمار گرانه، بلکه بانیان آن میباشند.

مردم، نهادهای انسان دوست دولتهای اروپایی!

نگذارید لیلا اعدام بشود و سه فرزند خردسالش را بی سرپرست رها بکنند و از آن ذره محبت کنونی هم بی بهره بمانند. نه تنها اجرای حکم بلکه نفس صدور حکم باید قلب هر انسانی را بدر بیآورد.

جلوگیری از حکم اعدام لیلا و آزادی او بشریت را سر و گردنی بالاتر میبرد، این افتخار را از آن خود کنیم و فردا لیلاهای دیگر زنده خواهند ماند و به این وسیله میتوان شاهد نابودی نظام دایناسورهای از گور برخاسته شد.

حکم اعدام باید لغو شود

سعید آرمان

۱۴ دسامبر ۲۰۰۴

اول کودکان بر گزار می کند

سومین کنفرانس اول کودکان

کودکان اول چرا و چگونه؟

۲۵ و ۲۶ فوریه ۲۰۰۵ استکهلم

کنفرانسی در مورد جهانشمول بودن حقوق کودک

تلفن: ۰۰۴۴۷۹۸۱۳۴۳۱۰۱

Parvaneh.ahmadi@comhem.se

avalkodaka@yahoo.co.uk

www.childrnfirstinternational.org

اول کودکان

بر گزار می کند

شبهای همبستگی با کودکان

در سالگرد فاجعه مرگبار بم و دفن شهری با ساکنین اش،

با ما در شبهای همبستگی با کودکان بم شرکت کنید!

avalkodakan@yahoo.co.uk

www.childrnfirstinternational.org

Tel: 44-7uk98 134 3101



ادامه دارد



از نزدیک با حسام منتظری دبیر سازمان در استکهلم

بی مرز: خودت را برای خوانندگان بی مرز معرفی کن

حسام: قبلاً از هر چیزی اجازه می خواهم انتشار نشریه را به شما به عنوان سردبیر و خوانندگان تبریک بگویم... راستش به عقیده من بیمر در طول مدت کوتاهی که از انتشار میگذرد توانسته جای خودش را به عنوان سخنگوی پناهنده در نزد افکار عمومی جامعه باز کند و مشخصاً در مورد انعکاس اخبار تحصن اخیر ما در سوئد بیمر خوش درخشید.

من حسام منتظری یکی از موسسین و دبیر سازمان سراسری پناهندگان ایرانی واحد استکهلم هستم. چند سالی است که در سوئد زندگی می کنم و از فعالین سیاسی و اجتماعی مقیم استکهلم هستم. از بدو ورودم به سوئد در عرصه پناهندگی فعالیت داشته ام. در طول این چند سال عضو و فعال فدراسیون سراسری پناهندگان بودم. متأسفانه بعد از کنفرانس دهم و ایجاد مرزبندیهای پوچ و راست و تنگ نظریهای بوجود آمده در آن ادامه کاری برای جمع کثیری از فعالین این عرصه ممکن نبود و بنا به ضرورت ادامه فعالیت متشکل اقدام به تاسیس سازمان کردیم و حدود دو ماهی است که امر پناهندگی را در این سازمان پیش می بریم.

بی مرز: "کلا" استقبال عمومی و از جمله رسانه ها از تحصن چگونه بود؟

ما توانستیم مورد استقبال گرم و صمیمی رسانه های فارسی زبان و از جمله رادیوهای محلی قرار بگیریم. افکار عمومی ایرانیان مقیم سوئد تحت تاثیر اخبار تحصن بود و می توانم بگویم ما آن چیزی را که در محل تحصن هر آن اتفاق می افتاد در سطح وسیعی به سراسر سوئد مخابره می کردیم مخصوصاً هشاد ساعت اولیه تحصن که بایستی اقرار کنم لحظات نفس گیری داشتیم و تمام سعی و تلاش ما این بود که راهی را پیدا کنیم برای رضایت آن عزیزان در تغییر روش مبارزه و باز

در روزهای اولیه تحصن از شمالی ترین نقاط کشور سوئد با بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر فاصله از ما؛ تا شهرهای دور و نزدیک شاهد پیوستن پناهجویانی بودیم که برای پشتیبانی از خواسته های به حق متحصنین در کنار ما بودند.

رادیو تلویزیونهای دولتی سوئد و روزنامه های مطرح منطقه انعکاس خوبی از تحصن ارائه دادند و به جرات می توانم بگویم ظرف ۴۸ ساعت اولیه ما به یکی از خواسته های اولیه خودمان که در سر در محل تحصن به زبانهای مختلف نوشته شده رسیدیم و آن جمله معروف «دهان بسته ما اعتراضیست به چشمان بسته شما دولتمردان سوئد» و این ارزش بزرگی برای ما داشت که توانستیم چه در اداره اتباع بیگانه و چه در مجلس سوئد درد بی حقوقی تحمیل شده به پناهنده را فریاد بزنیم و بگویم که ایران کشور نا امنی است و پناهنده گریخته از جهنم جمهوری اسلامی حق گرفتن اقامت را دارد.

بی مرز: چه پیامی برای پناهندگان بی مرز دارید؟

برای من مایه خوشبختی است که توانستم از طریق نشریه بی مرز تجارب و دست آوردهای واحد استکهلم سازمان سراسری پناهندگان را بازگو کنم بی مرز سخنگو و ابزار خوبی است که پناهنده در هر نقطه جهان بتوان از طریق آن تشکل خود را پیدا کرده و در یک قالب متشکل و منسجم حق و حقوق خودش را فریاد زند. در این راه فقط در یک صورت میتوان پیروز شد و آن مبارزه متحدانه و منسجم در سطح جهانی است و در آخر از این فرصت استفاده می کنم و از تمامی انسانهای آزادی خواه و برابری طلب دعوت میکنم به صفوف ما در سازمان سراسری پناهندگان پیوندند.

ضمناً از شما و سایر دست اندرکاران بی مرز ممنونم که این فرصت را در اختیار من گذاشتید



دیوبورت به کشور نامن ایران باید متوقف شود! زهره کاظمی را فراموش کرده اید؟

اطلاعیه شماره ۹ در رابطه با اقدامات تحصن استکهلم

امروز ۷ دسامبر در ادامه فعالیتهای که در رابطه با منعکس کردن مسائل پناهندگان و رساندن خواست متحصنین به مقامات دولتی هیتی از جانب تشکل پیلا و فادیمه را هرگز فراموش نکن، سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - واحد استکهلم و متحصنین با « یوته واهستروم و پغرو لینییا » از حزب سوسیال دموکرات ملاقات داشتند.

در این دیدار ابتدا اسد نودینیان به تاریخچه شروع تحصن و خواست متحصنین و به اوضاع ایران پرداخت. وی به نمونه های از جنایت و فشارهای رژیم اسلامی پرداخت و به ماجرای ژیل و بختیار، دستگیری برادران حسینی، ۱۶ آذر و اعتراضات دانشجویی و نمونه های بیشماری از تزیقات و فشارهای رژیم به مردم، جوانان و زنان پرداخت و سپس با توجه به این اوضاع بر شرایط و سیاستهای پناهنده پذیری دولت سوئد در دو اخراج پناهجویان ایرانی پرداخت او اشاره نمود که مطابق آمار خود دولت سوئد در سال ۲۰۰۴ تعداد متقاضیان پناهندگی ایرانیان در سوئد ۷۱۴ نفر بوده که از این تعداد فقط ۴۸ نفر توانسته اند اقامت بگیرند. اسد نودینیان بر این نکته تاکید نمود که بنا به اوضاعی که بر شمریدیم نشان میدهد که سیاستهای پناهنده پذیری دولت سوئد تا چه اندازه سختگیرانه است. او تاکید نمود اکثریت این متقاضیان امکان ماندن در ایران را نداشته اند. او به حرکات ۱۶ آذر

دولت کانادا روز سه شنبه ۷ دسامبر هاله صهبا را به ایران دیپورت کرد. او ۶ سال در کانادا همراه با پدر و مادر و برادرش که طبعه کانادایی دارند زندگی میکرد.

این عمل در حالی و در کشوری صورت میگردد که دو سال قبل یک تبعه خودش را به نام زهره کاظمی خبرنگار ایرانی تنها به جرم عکاسی در اطراف زندان اوین زیر شکنجه های وحشیانه کشتند و باعث تیره شدن روابط دولتی ایران و کانادا شد. سازمان سراسری پناهندگان ایرانی واحد کانادا ضمن محکوم کردن این عمل ضد انسانی دولت کانادا را مسئول بازگرداندن هاله صهبا به نزد خانواده اش می داند و پیش آمدن هرگونه عواقب ناگواری برای هاله صهبا، متوجه دولت

پرداخت و تاکید نمود که دولت سوئد لازم است این واقعیت را بپذیرد که ایران کشور امنی نیست. یوته واهستروم گفتند که "من با اداره مهاجرت و مسایل اینترناسیون کار می کنم تصویری را که شما در مورد ایران دادید را می پذیرم. چند روز قبل در دیدار دیگری با یکی از تشکلهای ایرانی مجدداً بر این نکات تاکید گردید. اما این مشکلی است که در چین، آذربایجان و تفریبا خیلی از کشورهای دیگر وجود دارد او گفت که در سال گذشته ما ۲۴۰۰۰ متقاضی داشته ایم که از این تعداد فقط ۲۰۰۰ نفر پذیرفته شده اند، به مشکلات خود جامعه سوئد پرداختند.

حسام منتظری دبیر سازمان پناهندگان ایرانی گفتند تصور کنید چه کسی اگر احساس امنیت کند حاضر است ۱۰۰۰ روز را بدون هیچ امکانی و بدون اینکه بعنوان شهروندی به رسمیت شناخته شود حاضر است مرگ تریجی را بپذیرد و به آن جهنم باز نگردد. قاسم افشار یکی از نمایندگان متحصنین بر ابعاد فحشا، بیکاری، اعتیادی که رژیم خود عامل گسترش آن است تاکید کرد و گفت بپذیرید که ما سفیران واقعی مردم ایران در انعکاس مسایل و مشکلاتشان هستیم.

خدیجه افشار یکی دیگر از نمایندگان متحصنین بر شرایط مادری که بیش از سه سال از احساس و محبت بچه هایش بدلیل شرایط مخفی زندگی کردن اشاره نمود. وی گفت شما چه احساسی

کانادا خواهد کرد و آن را در مجامع بین المللی پیگیری خواهد کرد.

ما همه انسانهای آزادیخواه و مدافع حقوق پناهندگی و سازمانها و احزاب سیاسی را به مبارزه جدی و حمایت بی شائبه از فراریان جهنم اسلامی فارغ از عقاید سیاسی و غیره، فرا میخوانیم. برای دفاع از حقوق پناهندگی و حرمتهای انسانی

برای مبارزه با دیپورت و برسمیت شناساندن ایران بعنوان یک کشور نا امن و قبولاندن پناهجویان ایرانی به دولت کانادا. به سازمان سراسری پناهندگان ایرانی پیوندید.

مینو همیلی

دبیر واحد کانادا و معاون دبیر سازمان سراسری پناهندگان ایرانی
۱۰ دسامبر ۲۰۰۴

نسبت به چنین انسانهایی که امکان بازگشت ندارند و از جانب شما هم پذیرفته نمی شوند دارید؟ یوته واهستروم گفت که ما زنگ خطر وجود بیش از ۱۰۰۰۰ پناهجوی مخفی در این جامعه را شنیدیم و میدانیم باید چاره ای اندیشید. اما نمی توانیم که بگویم همه اینها را میپذیریم چرا که جامعه سوئد از ما نمی پذیرد. او گفت بعنوان یک انسان درک می کنم که چقدر سخت است اما بعنوان سیاستمدار این کشور باید بالانس را حفظ کنم.

اسد نودینیان در خاتمه گفت ما از مسایل و مشکلات عمومی پناهندگان گفتیم اما اینجا می خواهم چند نکته را تاکید کنم. یکی اینکه بپذیرید که در ایران رفمی در کار نیست آنچه اکنون دارد تغییراتی را به رژیم تحمیل میکند اعتراضات مردم است. بپذیرید ایران با رژیم اسلامی نامن است. این خود شما را در رابطه با درک فرار ایرانیان از این جهنم کمک خواهد نمود. در خواست نمود که این گونه نشستها ادامه داشته باشد و بپذیرد که این ارگانها منعکس کننده واقعی اخبار و مسایل ایرانیانند. یوته واهستروم در خاتمه از اطلاعاتی که داده شد و قلدردانی نمود و نامه های که در رابطه با خواستهای متحصنین بود را پذیرفت او دعوت به شرکت در جلسه ای حضوری با پناهندگان را در دفتر سازمان سراسری پناهندگان پذیرفت.

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی واحد استکهلم

تهدید یک خانواده ایرانی در تاجیکستان به مرگ

یک خانواده پناهنده ایرانی در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان اعلام کرده اند در صورت عدم توجه کمیساریای عالی پناهندگی به سرنوشت آنان دست به خود کشی خواهند زد. هبا جعفری با همسر و دو کودک ۵ سال قبل به امارات عربی و سپس به پاکستان و افغانستان و بعد به تاجیکستان پناهنده شده اند.

این سرنوشت هزاران پناهجویی است که به امید زندگ بهتری از ایران فرار می کنند. کمیساریای عالی پناهندگی در قبال سرنوشت این خانواده پناهجو مسئولیت دارد.

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی
۹ دسامبر ۲۰۰۴



اسمائیل خضری
زنده یاد بی مرز

ما خواستار آنیم که سر به تن مرز نباشد! تقدس مرز را نمی توان با هیچ وسیله ای و هیچ عنوانی در دنیای موجود سرمایه داری انکار کرد. ما با همکاری و همبازی فقط انسانها! نه کسی دیگر و نه نیروی خیالی دیگری می خواهیم این تقدس را در هم بشکنیم. تنها سرمایه و نیروی ما، خلاقیت انسان، و بشردوستی و عشق به انسانهاست، ماورای هر مرز و طبقه بندی دنیای موجود. شاید اگر زمانی انسان به درجه ای از شناخت و معرفت برسد که مرزها را در هم بشکند آثار برجایمانده آن را با سرود سرخ انسانیت التهام بخشد و این زخم را تیمار کند. نظام زور و سرکوبگر سرمایه هم نیست و نابود شود و آن وقت انسانها بدور و فارغ از هر مرز و کشوری همدیگر را دوست داشته باشند و به هم عشق بورزند و زندگی کنند. در حالی که دست پرتوان و فکر خلاق انسان قله های آگاهی را یکی پس از دیگری طی می کنند با بیانی دیگر عصر رایانه و ارتباطات و فضاست و فکر بشر با ندا و طنینی



نامه دیگری از مادر ۳ فرزند
ر بوده شده در شهر بوکان:

دو هفته است اشک می ریزم! ما تحسن می کنیم! مردم شریف و آزاده، مادران و پدران، همه کسانی که می توانید احساس و نگرانی و خواست من را درک کنید. سازمانها و ارگانهای انسان دوست! دو هفته است که مسئولین جمهوری اسلامی در بوکان هر ۳ فرزندان را ربوده اند. معلوم نیست چه بلای بر سرشان آورده اند. ما چه گناهی کرده ایم؟ سه

استوار و باصلابت در تلاش است برای همیشه انسان را جای خدای البته از هر نوعش بگذارد. ولی متأسفانه باز هم این فکر حاکم و پابرجاست و محافظت می شود که گویا مرز هم جزو آن واژگان مقدسی است و آن ادبیاتی است که نباید به طرفش رفت و به آن نزدیک شد. خط رمز و راز است. فریاد بر می آورند: مبادا به آن نزدیک شوید. نزدیک شدن و دست بردن و به مصاف طلبیدن این واژه مقدس همان و مرگ شمای تابوشکن و معترض همان. خطر مرگ را به همراه دارد. در همان حال برفراز آن نشان و پرچم گذاشته اند. و جار می زنند که اگر به این منطقه و اطراف آن بخواهید نزدیک شوید سرو کارت را با پاسبان است. پاسبان و پلیس که هیچی وطن پرستان هم در راه حفظ مرز مرگ را با آغوش باز می پذیرند. در بسیاری از مناطق این کره موجود برای جانفشانی در راه استقرار و پابرجا ماندن مرز سر از پای نمی شناسند. برایش دل می سوزاند و لای لای برایش می خوانند. مرز نگهبان بدون پرو برگرد وطن است. درباره عشق کذابی و یا واقعی به وطن کتابها نوشته اند ولی در همان حال بسیاری از کسانی رادیده ایم در راه وطن جان خویش را فدا کرده اند. در دنیای فعلی عبور از مرزها برای بسیاری از انسانها اگر کشته نشوند! به بزرگترین آرزوی زندگی تبدیل شده

است. دیده ایم که بسیاری از انسانها در راه پیمودن و طی کردن این فاصله مکانی یعنی مرز! سالها از عمر اندک خویش را صرف کرده اند. گاهی بعد از صرف و خرج و پرداخت این همه عمر و نیروی کار فروخته شده، انسانی به شکل و شمایل خودت به نام و حکم و فکرقانون سرمایه و بازار کار جلوی پایت سبز می شود و اوراق هیت می خواهد. هر چه داد و فریاد سر دهید که پاسبان و نگهبان جان: برگه و تکه کاغذ می خواهید چکار. خودم سراپا هیتیم. عزیز جان منم همانند شما انسانم. بی فایده است، به زور می خواهند شما را به آن طرف مرز ببرند همان جای که از ترس برادران تنی مرز یعنی مذهب و ملت و ناسیونالیسم فرار کرده اید. یا شاید به هر عنوان دوست نداشته اید در آن سرزمین زندگی کنید. به اوضاع موجود در آن طرف مرز معترض بوده اید یا شاید تحت تعقیب مردان خدا بوده یا هستی. حداقل کارمکن و مفید به حال پناهجویان امان دادن اوست تا لا اقل از سایه مخوف و گزند هیولای مرگ و تحقیر و بی حقوقی و سنگسار و زندان دور باشد. ولی برای بسیاری از انسانها آخرین جواب این است: به حکم جناب قانون دیپورت خواهی شد. سخت است مگر نه! خیلی به بازی مار و پله شباهت ندارد! چرا؟ اراده پولادین ویسی پول می خواهد

که انسان بر این مهم فایق آید. مرز همزادان و هم نوع و همکارانی دیگر هم به اسم مذهب و ملت دارد که هر کدام به نوبه خود و برای یک نوع مصلحت مخصوص، محصول دوست داشتنی نظام سرمایه داریندو هر کدام همزمان که از هم تغذیه کرده و می کنند و هوای هم رانیز دارند. البته کار و وظیفه هر کدامشان فرق می کنند. لازم است کمی تامل کنید تا ببینید که طوری به هم بافته شده اند. که هر کدام آن یکی و دیگری را تقویت می کند. تضعیف یکی یعنی سقوط حتمی دیگری. ما مجموعه و گروهی از انسانها هستیم، که مبارزان خستگی ناپذیر راه مبارزه با مرز و مذهب و خدا هستیم! بخواهیم نخواهیم تحت تعقیب مرز و مذهب هم هستیم. بدین دلیل می خواهیم انسانها بدور از هر مرز و مذهب و دسته و گروهی در کمال آسایش و آرامش زندگی انسانی داشته باشند، وظیفه اصلی ما: ما می خواهیم درد و رنج و مشکلات پناهندگان را به گوش جهانیان و سازمانهای طرفدار حقوق بشر برسانیم و همه با هم یاری رسان و کمک کننده هم باشیم تا به این مهم فایق آیم. بدون شک هر موفقیت ولو کوچک هم مدیون تلاش خستگی ناپذیر شما و ما است. به امید پیروزی و موفقیتهای بزرگ برای همه پناهجویان.

با به بازی گرفته اند و هر روز دروغی را تحویل ما می دهند. حتی از محل زندانی آنها اطلاع دقیقی به ما داده نمیشود. بدین ترتیب مقامات جمهوری اسلامی در بوکان در این دو هفته هر لحظه من و دیگر اعضا خانواده ام را مورد شکنجه روحی قرار داده اند و نهایت بی مسئولیتی در خصوص ما از خود نشان داده اند به من کمک کنید هر چه زودتر فرزندانم را در آغوش خود و در کانون گرم خانواده شان ببینیم. امید ما کمک شما مردم و سازمانهای مدافع انسان است. من از این طریق به همراه دخترانم مریم و کردستان حسینی و همسر و فرزند پسرم محسن، فرح و کمونار حسینی و تعداد دیگر از بستگان و مردم شریف بوکان در فرمانداری بوکان از فردا دوشنبه ۲۳ آذر، هر روز از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح به مدت دو



دبیر: سعید ارمان
Saeed arman2002@yaho.co.uk
تلفن:
۰۰۴۴۷۷۹۱۰۸۹۴۸۷
مسؤل امور مالی
لادن داور
معاونین دبیر
مینو همبلی
minoo_homeili@yahoo.com
تلفن و فاکس
۰۰۱۴۱۶۲۰۱۴۳۱۶
سعید کرامت
keramat@symptico.com
تلفن: ۰۰۱۴۱۶۶۹۴۹۶۹۵
همکار سر دبیر:
اسماعیل خضری
smko1970@web.de
مشاور سیاسی دبیر
نریا شهابی
Soraya_shahabi@yahoo.com

آدرس و شماره تلفن
واحدهای کشوری و شهری

ترکیه: محمد محمدی
تلفن: ۰۰۹۰۵۵۵۲۰۵۴۳۰۱
mohammadi1917@yahoo.com

فلاندا: اسمائیل ویسی
تلفن: ۰۰۳۵۸۵۰۳۵۷۳۵۶۴
iranps@pp.inet.fi

انگلستان: محسن ابراهیمی
تلفن: ۰۰۴۴۷۷۷۲۹۸۸۸۷۱۷
mohsen1244@hotmail.com

نروژ: غفار غلام ویسی
Ghfar@chello.no

کانادا: مینو همبلی
Minoo_homeili@yahoo.com

سوئد: بهنام ارانی
روابط عمومی: پرشنگ بهرامی
behnamarani@yahoo.se

استکهلم: حسام منتظری
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۶۵۵۸۱۷
samazad@hotmail.com

وسترس: یوآئل گلچینی
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۷۱۸۳۷۲
yogolchini@yahoo.com

واحد شمال: غفور عباس نژاد
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۷۷۹۸۰۵۱
۰۰۴۶۶۷۳۷۰۵۰۷۸۹
ifrboden@hotmail.com

لبنشوینگ: حبیب الله مرادی
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۴۵۶۵۱۵۷
habibmoradi@hotmail.com

یوتوبوری: حسین مرادی
تلفن: ۰۰۴۶۷۳۵۰۷۲۵۰۴
۰۰۴۶۷۳۹۶۵۵۸۱۷
samazad@hotmail.com

حق پناهندگی برای همه